

سرآمدان میکروبیولوژی در ایران - بخش اول

مریم تیموری^۱ و محمدرضا صعودی^۲

۱- موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران

۲- گروه میکروبیولوژی، دانشکده علوم زیستی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

آنچه پشتوانه علمی یک دانشگاه و یک کشور را می‌سازد، سرآمدان و نخبگان علمی و نیز جمیع مدرسان و پژوهشگران و استادان در مراکز دانشگاهی، پژوهشگاه‌ها و سازمان‌های علمی هستند.

در این بخش سرآمدان و مفاخر علم میکروبیولوژی در بخش پزشکی پرداخته شده است که بی‌شک نقش مهمی در سلامت جامعه داشته‌اند.

سرآمدان میکروبیولوژی ایران در پزشکی

دکتر ابوالقاسم بهرامی (۱۳۲۹-۱۲۷۳)

ابوالقاسم بهرامی در سال ۱۲۷۳ در تهران به دنیا آمد. پدرش میرزا ابوالحسن خان، طبیب مخصوص محمدرحیم خان علاءالدوله، ملقب به امیر نظام، حاکم تهران و وزیر دربار ناصرالدین شاه، بود. بهرامی پس از گذراندن تحصیلات اولیه نزد پدر، به فراگیری پزشکی مشغول شد. در سال ۱۲۹۹، هنگامی که ژوزف منار از سوی امیل رو، رئیس انستیتو پاستور پاریس، برای تأسیس انستیتو پاستور به ایران آمد، بهرامی به سبب آشنایی به زبان فرانسوی، به همکاری با وی برگزیده شد. بهرامی در سال ۱۳۰۰ دیپلم پزشکی گرفت و در سال ۱۳۰۱ برای کارآموزی به پاریس، نزد دکتر لگرو رفت و پس از بازگشت، بخش زدهاری را در انستیتو پاستور ایران راه اندازی کرد. دکتر منار در سال ۱۳۰۴ به فرانسه بازگشت و تا آمدن رئیس جدید، دکتر ابوالقاسم بهرامی رئیس انستیتو پاستور ایران بود. او در سال ۱۳۱۲، شیوع مالاریا در نوشهر و چالوس را مهار کرد و در سال ۱۳۱۵ به پیشنهاد لگرو، بار دیگر رئیس انستیتو پاستور ایران شد. دکتر بهرامی در سال ۱۳۱۷، رئیس اداره کل بهداشت شد و به دانشجویی دانشگاه تهران هم رسید. وی در سال ۱۳۲۹، در ۵۶ سالگی درگذشت.



دکتر مهدی قدسی (۱۳۷۰-۱۲۷۹)

تحصیلات ابتدائی و متوسطه در زادگاه خود در تهران گذراند. دانش آموختهٔ مدرسهٔ عالی طب در سال ۱۳۰۵ بود. در سال ۱۳۰۶ به ریاست بیمارستان وزیری تهران منصوب شد. در سال ۱۳۰۷ به استخدام انستیتو پاستور در آمد. در سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ رئیس ادارهٔ قرنطینهٔ خرمشهر بود در ۱۳۱۴ به پاریس عزیمت نمود و در انستیتو پاستور تحصیلات خود را تکمیل کرد. پس از بازگشت به ایران در انستیتو پاستور ایران به درمان بیماران مبتلا به هاری پرداخت و حاصل تحقیقات خود را در مجلات بین‌المللی منتشر کرد و به واسطهٔ همان مقالات از طرف سازمان بهداشت جهانی به‌عنوان کارشناس بین‌المللی برگزیده شد. وی به کشورهای اروپا و آمریکا سفر کرد و در مراکز بهداشتی آن کشورها به تحقیق و مطالعه پرداخت در بازگشت به ایران روش جدید مایه‌سازی ضد سل را در ایران مورد استفاده قرار داد. او معاون وزیر بهداشتی در کابینهٔ دکتر مصدق بود. وی از همکاران دکتر مارسل بالتازار (اولین رییس فرانسوی انستیتو پاستور) بود که بعد از او، به مدت هشت سال، ریاست انستیتو پاستور ایران را در سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ به عهده گرفت. از جمله خدمات بسیار بارزش ایشان پایه گذاری تولید واکسن ب ث ژ در ایران و نیز تأسیس بیمارستان هاری در انستیتو پاستور ایران بوده است. همین خدمات به تنهایی می تواند ایشان را در زمرهٔ مفاخر صاحب نام ایران قرار دهد. اجرای واکسیناسیون عمومی ب ث ژ با مدیریت دکتر قدسی از سال ۱۳۲۶ در کشور آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. از تالیفات مهدی قدسی می‌توان کتاب فعالیت پنجاه ساله انستیتو پاستور ایران، بیماری هاری و اقسام مختلف آن، درمان ضد هاری، و "مایه‌کوبی بر ضد سل به‌وسیله ب.ث.ژ را نام برد. دکتر مهدی قدسی در سال ۱۳۷۰، در ۹۱ سالگی درگذشت.

دکتر حسن میردامادی (۱۳۶۸-۱۲۸۰)

حسن میردامادی در سال ۱۲۸۰ در سه ده اصفهان (خمینی‌شهر) بدنیا آمد. پدر ایشان از اطباء قدیمی بوده و علاقه داشت که فرزندش حسن نیز به حرفه‌ی شریف پزشکی روی آورده و طبابت کند. ایشان در مکتب‌خانه شهر سه ده (خمینی‌شهر) آموزش را آغاز کردند و همیشه از آن دوران و مطالب آموزنده‌ی آن به نیکی یاد می‌کردند تا جایی که چند روز قبل از فوت به یکی از دوستان بر اهمیت آن دوران اشاره می‌کردند. سپس جهت ادامه تحصیل وارد شهر اصفهان شدند و به دبیرستان گل‌بهار راه یافتند. بعد از اتمام دوره دبیرستان به دارالفنون تهران رفته و مدت سه سال تحصیل کرده و در ادامه به دانشکده پزشکی تهران راه یافتند. در دوره اینترنی مسئول اداره داروخانه و آزمایشگاه بیمارستان دانشکده پزشکی بود. یکی از تست‌های آزمایشگاهی آن زمان آزمایش خلط سینه در موارد مشکوک به سل بود. در آن زمان کسی نبود که در این زمینه به ایشان آموزش دهد. ایشان به جدیت و تلاش توانستند با روش‌های حاصل از آزمون و خطا موفق به مشاهده باسیل سل در زیر میکروسکوپ شوند. این واقعه یکی از علل مهم در گرایش ایشان به رشته میکروب‌شناسی و سرولوژی بود. دکتر میردامادی در سال ۱۳۰۳ موفق به اخذ مدرک پزشکی شده و وارد انستیتو پاستور ایران شد و پس از دو سال به ریاست آزمایشگاه انتخاب گردیدند. آنگاه مأموریت تشکیل بنگاه پاستور و بنگاه دفع آفات ایالت آذربایجان را بر عهده گرفتند و در آن استان بنگاه میکروب‌شناسی و سرم‌سازی بنام موسسه پاستور و دفع آفات آذربایجان را دایر کردند. پس از انجام این مأموریت به تهران بازگشتند و ریاست بخش واکسن‌سازی انستیتو پاستور را عهده‌دار شدند که مصادف با شیوع وبا در افغانستان بود. لذا مسئولیت تهیه واکسن وبا در ایران بر عهده دکتر حسن میردامادی بود. این واکسن خیلی مؤثر بوده و روزانه چندین هزار دز از آن به‌سختی و با تلاش نامبرده و همکارانش جهت واکسیناسیون افراد در معرض خطر در خراسان و سیستان تهیه می‌شدند. سرانجام دکتر میردامادی در سال ۱۳۱۲ برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در برلین در موسسه رابرت کخ به تحصیل در رشته میکروب‌شناسی و سرم‌شناسی پرداخت. در سال ۱۳۱۴ موفق به اخذ دانشنامه تخصصی

در رشته سرم‌شناسی گردید و در سال ۱۳۱۵ جهت ادامه مطالعات خود در رشته مالاریاشناسی به انستیتو بیماری‌های گرمسیری رم در ایتالیا اعزام شد. دکتر میردامادی از سال ۱۳۲۰ در سمت استادیاری در دانشکده پزشکی تهران استخدام شدند. استاد دکتر حسن میردامادی به سال ۱۳۲۵ به هندوستان مسافرت نموده و مدت یک سال در بنگاه فکین شهر بمبئی و بنگاه مالاریاشناسی شهر دهلی مشغول تحقیقات علمی بوده‌اند. از خدمات ایشان در دانشکده پزشکی تهران می‌توان به تأسیس آزمایشگاه سرم‌شناسی اشاره کرد. این آزمایشگاه در مهرماه ۱۳۱۹ ایجاد گردید و بنابراین از ایشان به عنوان پدر علم سرووژی ایران یاد می‌شود. در سال ۱۳۳۶ دوره‌ی تکمیلی فوق دکتري خود را در رشته سرم‌شناسی در آمریکا سپری کرد. در چهارم آبان ماه ۱۳۴۶ به پاس خدمات خود موفق به دریافت یک قطعه نشان درجه چهارم تاج شد. ایشان معتقد بودند که پزشکی صرفاً تشخیص و درمان نبوده و بلکه تحقیق کردن در آزمایشگاه نیز از رسالت‌های علمی یک پزشک با وجدان می‌تواند باشد. ایشان در دوران بازنشستگی خود موفق به تألیف و گردآوری مجموعه بزرگ فرهنگ پزشکی چهار زبانه (انگلیسی، آلمانی، فرانسه و فارسی) شدند که این امر پسندیده بعد از تلاش ۱۲ ساله استاد با وجود مشکلات جسمانی بارور شد. یکی از ویژگی‌های دکتر میردامادی این بود که هرگز سراغ امور اجرایی نرفتند و حتی پیشنهاد ریاست دانشکده پزشکی را رد کردند. استدلال شخصی ایشان این بود که کسب عناوین اجرایی به‌یقین مانع پیشرفت علمی وی خواهد شد. در دوران خدمت خود در دانشگاه بیش از ۵۰۰ دانشجوی تربیت کردند. از تالیفات ایشان می‌توان به میکروب شناسی (جلد ۲)، سرم‌سازی و میکروب شناسی، ایمنی شناسی، تشخیص سیفلیس، رهبر پزشکان و تفسیر امتحانات آزمایشگاه اشاره کرد. در کنار امور علمی از علاقه‌مندان شدید ادبیات فارسی و مخصوصاً حکیم ابوالقاسم فردوسی بودند. ایشان شیفته شجاعت و شخصیت فردوسی بوده و فردوسی را منجی زبان فارسی می‌دانستند.



دکتر میرحامد سیادت (۱۳۷۰-۱۲۸۷)

میرحامد حسین سیادت فرزند آیت الله سید ابوالحسن عماد الشریعه در اسفند ماه سال ۱۲۸۷ در همایون‌شهر (خمینی شهر فعلی) بدنیا آمد. تا سن ۹ سالگی نزد پدر تحصیل کرد و سپس در مدرسه صدر اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت. آیت الله

العظمی فشارکی، آیت الله میر سید علی نجف آبادی و آیت الله میرزا علی آقا شیرازی از اساتید وی بودند. در سن ۱۹ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد. ایشان پس از فراگیری علوم دینی و اجتهاد برای تحصیل در مدارس جدید، عازم تهران شد و پس از سه سال مدرک دیپلم را اخذ نمود و در سال ۱۳۰۹ در کنکور اعزام به خارج شرکت و رتبه اول در کشور را کسب کرد و عازم فرانسه و تحصیل علم پزشکی شد. در این کشور و نیز ژنو به کسب علم مشغول شد و مدارک متعددی با درجه ممتاز از دانشگاه پاریس و ژنو و بیمارستان کودکان فرانسه دریافت کرد. وی در سال ۱۳۱۹ پس از کسب دکترای تخصصی بیماریهای عفونی ۱۳۱۹ به ایران بازگشت. ایشان دوره میکروب شناسی را نیز در دانشگاه پاریس طی کرد. دکتر سیادت سالها رئیس هیئت اعزامی به مناطق مختلف کردستان، کرمانشاه و همدان برای تشخیص و مبارزه با بیماریهای عفونی بود. در سال ۱۳۶۵ در انستیتو رازی و پاستور مشغول تحقیقات شد و در سال ۱۳۶۸ کنگره بیماری های عفونی را ریاست کرد و به عنوان رئیس انجمن متخصصین بیماری های عفونی انتخاب شد. وی همزمان در دانشگاه های مختلف از جمله در کشور فرانسه تدریس می نمود. از آثار و تألیفات او می توان به : تالیف دو کتاب تخصصی به زبان فرانسه و انتشار دهها مقاله علمی کاربردی در مجلات معتبر خارجی اشاره کرد که در مورد روش های شناسایی، کنترل و درمان بیماری های عفونی بوده است. ایشان در سال ۱۳۷۰ درگذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد.

دکتر سکیه دره السادات طباطبایی (۱۳۸۰ - ۱۲۹۳)

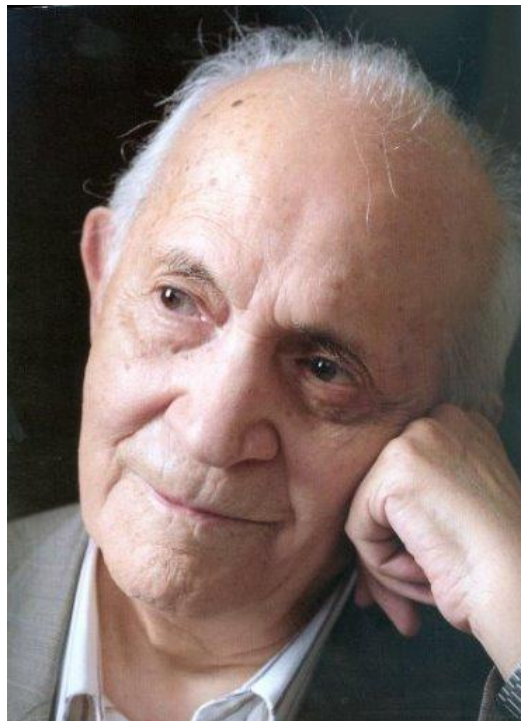
سکینه دره السادات طباطبایی، در سال ۱۳۳۱، با لیسانس آزمایشگاه، برای طی تحصیلات عالی میکروب شناسی توسط انستیتو پاستور ایران به مدرسه آمریکایی بیروت اعزام شد. سپس، در سال ۱۳۴۰ در رشته پزشکی و در سال ۱۳۴۹ در رشته علوم آزمایشگاهی بالینی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. دکتر طباطبایی در سال ۱۳۵۱، برای مطالعه نمونه های غیرعادی میکروب سل و باکتریوفاژهای سل به انستیتو پاستور لیل فرانسه و انستیتو لیستر لندن رفت و پس از آن، رئیس بخش سل انستیتو پاستور ایران شد. دکتر طباطبایی در سال ۱۳۸۰ بدرود حیات گفت.

دکتر سید حسن میرشمسی (۱۳۸۷-۱۲۹۳)

حسین میرشمسی، فرزند مرحوم سید محمد، در سال ۱۲۹۳ در اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان به پایان رسانید و پس از دریافت مدرک دیپلم در سال ۱۳۱۴، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران آغاز نمود. وی پس از اخذ مدرک دکتر در سال ۱۳۲۰، به عنوان کارمند فنی در مؤسسه سرم و واکسن سازی رازی در حصارک، به خدمت پرداخت. پس از طی ۹ سال خدمت در این مؤسسه با عناوین کارمند فنی، کارورز و دستیار آزمایشگاه، در سال ۱۳۲۹ برای کسب تخصص عازم کشور فرانسه شد. دکتر حسین میرشمسی در سال تحصیلی ۱۹۵۰-۱۹۵۱ در انستیتو پاستور پاریس پس از طی دوره میکروب شناسی و ایمنی شناسی، دیپلم این رشته را دریافت کرد. سپس، در همین سال در دانشکده دامپزشکی آلفرد وابسته به دانشگاه پاریس به عنوان دانشجوی اکسترن ثبت نام و پس از طی دوره و شرکت در امتحانات نهایی آن دانشکده، مدرک دکترای دامپزشکی دانشگاه پاریس را اخذ کرد. او به مدت ۴ ماه در سه مؤسسه در آمریکا دوره هایی را در زمینه تهیه واکسن های میکروبی و توکسوئیدها گذراند و پس از مراجعت به ایران به عنوان رئیس بخش با تولید واکسن های باکتریایی (توکسوئیدها) و سرم های درمانی به خدمت خود در مؤسسه رازی ادامه داد. در سال ۱۳۳۴ پست معاونت فنی مؤسسه و مسئول واحد تولید مواد زیستی مصرف پزشکی مؤسسه رازی را احراز نمود. در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) پس از آنکه تولید واکسن های ضد دیفتری، کزاز و سیاه

سرفه به مرز تولید انبوه رسیده بود و با توجه به علاقه شخصی وی به پژوهش در زمینه ویروس‌ها، برای استفاده از دو بورس در کشور آمریکا عازم این کشور شد. طی سال اول با استفاده از بورس مؤسسه بهداشت آمریکا و در چهار ماه بعد با استفاده از بورس سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (F.A.O) به فراگیری علوم جدید در زمینه ویروس‌شناسی پرداخت. همچنین به مدت ۴ ماه در شورای پژوهش پزشکی لندن در یک برنامه پژوهشی ویروس‌شناسی شرکت کرد. پس از مراجعت به وطن، فعالیت‌های وسیعی را در زمینه پژوهش‌های ویروس‌شناسی انجام داد و سپس به منظور ادامه تحقیقات خود و همچنین تهیه مقدمات تولید واکسن ضد سرخک، با استفاده از بورس پژوهشی از طرف سازمان جهانی بهداشت دوره‌ای ۹ ماهه را در دانشکده پزشکی دانشگاه بایلور در شهر هوستون آمریکا گذراند. سپس ۳ ماه دیگر در دانشگاه توکیو و مؤسسه واکسن‌سازی شیبا کارآموزی نمود. از اواسط سال ۱۳۴۸ به تولید واکسن ضد سرخک در مؤسسه رازی پرداخت و از سال ۱۳۵۲ پژوهش در زمینه تولید واکسن ضد فلج اطفال را نیز آغاز نمود، به‌طوری که تولید انبوه این واکسن نیز به فهرست واکسن‌های تهیه شده در این مؤسسه افزوده شد و با تولید انبوه این واکسن نقش بی‌بدیلی در ریشه‌کنی فلج اطفال در کشور ایفا کرد. دکتر میرشمسی در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ موفق به تولید دو واکسن جدید ضد اوریون و ضد سرخجه نیز در این مؤسسه شد. نسل‌های بسیاری سلامتی خود را مرهون برنامه‌های واکسیناسیونی می‌دانند که با تکیه بر تولیدات دکتر میرشمسی و به رایگان در اختیار مردم قرار می‌گرفتند. دکتر میرشمسی در طول دوره کاری خود بارها به عنوان نماینده و مشاور سازمان جهانی بهداشت مسئولیت مشاوره یا راه‌اندازی مراکز تولید واکسن در کشورهای مختلف عهده‌دار بوده است. وی در سال ۱۹۶۲ به نمایندگی از طرف سازمان جهانی بهداشت، مرکز تولید واکسن کشور اردن را تأسیس کرد. همچنین از سال ۱۹۸۰ در انستیتو پاستور کشور تونس به عنوان مشاور و کارشناس سازمان بهداشت جهانی همکاری داشت و از سال ۱۹۷۰ نیز به عنوان نماینده سازمان جهانی بهداشت در منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک در کمیته استانداردهای بیولوژیک وابسته به این سازمان فعالیت کرد. همچنین به عضویت آکادمی علوم نیویورک و مجمع بین‌المللی زیست‌شناسان درآمد. در سال ۱۹۸۴ از طرف یونیسف برای بررسی مشکلات مؤسسه واکسن‌سازی کشور کره‌شمالی واقع در پیونگ یانگ، مأموریت یافت. این طرح به وسیله ایشان در کشور طراحی گردید و سپس توسط یونیسف به اجرا درآمد. استاد میرشمسی هفت سال به عنوان استاد مدعو در دانشکده پزشکی، دامپزشکی و کشاورزی دانشگاه تهران به امر آموزش ویروس‌شناسی نیز اشتغال داشت. عضویت پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و فرهنگستان علوم جهان سوم از جمله افتخارات استاد است. دکتر حسین میرشمسی، ۳ کتاب و بیش از ۱۱۲ مقاله فارسی، فرانسوی و انگلیسی نوشته که به چاپ رسیده‌اند. از سه عنوان کتاب تألیف شده توسط ایشان، کتاب «ویروس‌شناسی عمومی» در سال ۱۳۴۸ و «اصول ایمنی‌شناسی» در سال ۱۳۵۲ به عنوان بهترین تألیف سال انتشار خود، معرفی شدند. ضمناً کتابی نیز با عنوان «پیشگیری و درمان با واکسن و سرم» تألیف کرد که ویرایش سوم آن در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۷۴ پس از ۵۴ سال خدمت صادقانه در زمینه‌های علمی-پژوهشی، لوح تقدیر و نشان درجه اول پژوهشی توسط رئیس جمهوری وقت به وی اعطا گردید. آقای دکتر میرشمسی به دفعات در جشنواره خوارزمی شرکت و جوایزی اخذ کرد که از جمله می‌توان به برنده جایزه دوم پژوهش در سال ۱۳۷۰ به عنوان همکار طرح پژوهشی «تهیه واکسن جدید ضد اوریون با ویروس تعدیل حدت یافته محلی»، برنده جایزه اول پژوهش در سال ۱۳۷۳ به عنوان مجری طرح پژوهشی «ایمن سازی به ضد دو عفونت دیفتی و کزاز با توکسوئیدهای مایع ضد این دو عفونت از راه خوراندن واکسن»، برنده جایزه دوم پژوهش در سال ۱۳۷۴ به عنوان همکار طرح پژوهشی «تهیه آنتی ژن سرخجه جهت آزمایشگاه‌های تشخیص طبی» نام برد. استاد میرشمسی، بنیانگذار تولید واکسن به خصوص واکسن‌های انسانی در مؤسسه رازی بود و به همین دلیل از ایشان به عنوان «پدر واکسن ایران» یاد می‌شود. دکتر میرشمسی از سال ۱۳۷۵ نیز به عنوان داور در جلسات بررسی طرح‌های جشنواره خوارزمی شرکت کرده اند. در سال ۱۳۸۱ دکتر عارف، معاون اول رئیس جمهور وقت، ضمن تقدیر از وی،

آزمایشگاه‌های زیست‌شناسی پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی را به نام او ثبت کرد. وی طبع شعر نیز داشته و در جوانی شعر می‌سروده است. استاد حسین میرشمسی از بنیانگذاران بیوتکنولوژی و چهره‌های ماندگار علمی کشور، ۲۳ آذر ۱۳۸۷ در سن ۹۴ سالگی درگذشت.



دکتر وارتکس نهپتیان (۱۳۷۱-۱۲۹۶)

دکتر وارتکس نهپتیان در ۹ خرداد ۱۲۹۶ در کرمانشاه به دنیا آمد. ایشان پس از کسب مدرک پزشکی به دانشگاه تهران پیوست و سی و پنج سال در این دانشگاه خدمت کرد. دکتر وارتکس نهپتیان پس از اخذ مدرک دیپلم از دبیرستان البرز تهران در سال ۱۳۱۵ و گذراندن دوره سربازی، در سال ۱۳۱۶ وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۱ از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران مدرک پزشکی خود را اخذ کرد. در جریان تشکیل دانشکده بهداشت در دانشگاه تهران لزوم نگرش سازمان یافته و گسترش آموزش اپیدمیولوژی و روش‌های آماری احساس شد و در نتیجه چند نفر از استادان گروه علوم بهداشتی به‌رای که آموزش‌های پیشرفته به آمریکا اعزام شدند. دکتر وارتکس نهپتیان از جمله اعضای این گروه بود که به دانشگاه هاروارد رفت و پس از یکسال در سال ۱۳۲۴ با دریافت درجه MPH به ایران بازگشت. او دوره‌های آموزشی کوتاه مدتی را نیز در مدرسه بهداشت عمومی انگلستان گذرانده است. دانشگاه کارولینای شمالی ایالت متحده آمریکا و دانشگاه لیدز انگلستان گذرانده است. دکتر نهپتیان از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۵ در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران مشغول تدریس و تحقیق بود و همزمان با تأسیس دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی در سال ۱۳۴۵ یکی از گروه‌های آن گروه آمار در نظر گرفته شد که ریاست آن به آقای دکتر وارتکس نهپتیان واگذار شد و اولین دوره کارشناسی ارشد آمار زیستی در این دوره در دانشکده بهداشت توسط ایشان راه اندازی شد. در سال ۱۳۵۰ بخش اپیدمیولوژی از گروه پاتوبیولوژی جدا شده و با گروه آمار ادغام شد و گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی دانشکده

بهداشت شکل گرفت که کماکان مدیریت آن با دکتر نهپتیان بود. گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی از جمله گروه‌های قدیمی و تأثیرگذار در دانشکده بهداشت بوده است. دکتر نهپتیهان در مقطعی از زمان نیز، معاون دانشکده بهداشت دانشگاه تهران بود. دکتر نهپتیان بعد از بازنشستگی با مرتبه استادی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۶ در ایران بود و به عنوان یکی از اعضای هیئت امنای کلیسای ارامنه تهران فعالیت می کرد. وی پس از بازنشستگی مسئول درمانگاه خیریه آودسیان واقع در خیابان سهمیه تهران بود و در آنجا بیماران کم بضاعت را درمان می کرد. وی این مسئولیت را تا زمانی که وضعیت سلامت مناسبی داشت ادامه داد و سپس برای بودن در کنار خانواده در سال ۱۳۶۶ ایران را به مقصد آمریکا ترک کرد. ایشان در بازه زمانی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷، استاد راهنمای حداقل پانزده پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد و دکترا بودند. از دانشجوین متمایز ایشان در این دوران می توان به دکتر حسین ملک افضلی و پرویز کمالی اشاره کرد. از تالیفات ایشان می توان به پزشکی پیشگیری، آمار در پزشکی و بهداشت (به عنوان اولین کتاب فارسی در حوزه آمار زیستی)، آمار حیاتی مقدماتی، میزان‌های حیاتی ایران، روش‌های آماری و روش‌های آماری در عیارگیری زیستی اشاره کرد. از دکتر وارنگس نهپتیان به عنوان مردی مهربان و سخاوتمند یاد می شود که شوخ طبعی زیادی داشت او بسیار باهوش و با پشتکار بالا بود و ریاضیات را بخوبی می شناخت و بسیار آرام بود. همچنین دکتر نهپتیان یک پزشک متعهد بود که آموزش و شفای افراد را در رأس فهرست اولویت هایش و سود مالی را در پایینترین فهرست خود قرار می داد. وی پس از هفتاد و پنج سال زندگی پربار در ۲۰ اسفند ۱۳۷۱ در ایالت کالیفرنیا آمریکا درگذشت.

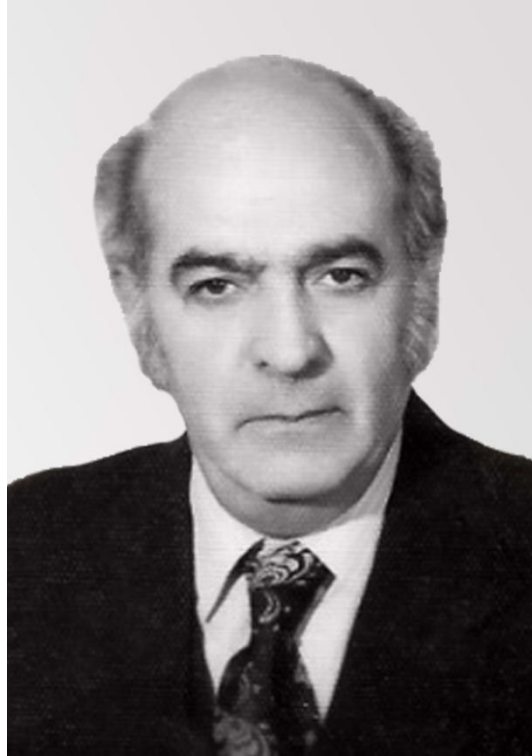
دکتر آذر اندامی (۱۳۰۵-۱۳۶۳)

آذر اندامی متولد سال ۱۳۰۵ در رشت بود. او در سال ۱۳۳۷ دکترای پزشکی خود را از دانشگاه تهران اخذ کرد و بلافاصله به گذراندن دوره تخصصی زنان و زایمان مشغول شد. پس از پایان دوره تخصصی، به وزارت بهداشت منتقل و در نهایت، در انستیتو پاستور ایران استخدام شد. دکتر اندامی پس از مدتی، با استفاده از بورس تحصیلی انستیتو پاستور ایران به پاریس رفت و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ گواهینامه باکتریولوژی و در سال ۱۳۵۳ موفق به دریافت دانشنامه تخصصی علوم آزمایشگاهی بالینی شد. دکتر آذر اندامی رئیس آزمایشگاه واکسن‌های میکروبی انستیتو پاستور ایران و از پیشگامان تولید واکسن وبا در کشور بود. وی تحقیقات بسیاری در زمینه وبا و دیفتری انجام داد و مقالات متعددی در این زمینه نوشت. دکتر آذر اندامی در سال ۱۳۶۳ درگذشت.



دکتر ولی الله آصفی (۱۴۷۹-۱۳۰۶)

ولی الله آصفی، متخصص بیمار یهای عفونی و از محققان برجسته انستیتو پاستور ایران، در طول چهل سال خدمات پرافتخار خود، نقش مهمی در ارتقای وضعیت بهداشتی کشور داشت. او فعالیت های ماندگاری، به خصوص در رابطه با کنترل بیماری جذام انجام داد و سال ها مدیرعامل سازمان جذام ایران و مشاور سازمان جهانی بهداشت بود. دکتر آصفی، در سال ۱۳۳۲، موفق به کسب دکترای پزشکی شد و تخصص خود را در زمینه بیماریهای عفونی و گرمسیری در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران کسب کرد. دکتر آصفی مدرک کارشناسی ارشد بهداشت عمومی را در سال ۱۳۵۳، در رشته اپیدمیولوژی از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران و دیپلم جذام شناسی را در سال ۱۳۶۱، از دانشگاه پاریس اخذ کرد. دکتر ولی الله آصفی در انستیتو پاستور ایران به ترتیب رئیس آزمایشگاه و دستیار و رئیس بخش اپیدمیولوژی و تحقیقات بالینی بود. وی سال ها همراه با تیم های میدانی و تحقیقاتی انستیتو پاستور ایران به اقصی نقاط کشور رفت و علاوه بر جذام، تحقیقات مربوط به پایش بیماریهای عفونی دیگری نظیر طاعون، حصبه، هاری، تولا رمی و آربو ویروسها را مدیریت و رهبری کرد. او به دلیل بیماری، در سال ۱۳۶۴ بازنشسته شد و در سال ۱۳۷۹ بدرود حیات گفت.



دکتر یونس کریمی (۱۳۰۸-۱۳۸۷)

یونس کریمی در فروردین ۱۳۰۸ در خانواده‌ای از مهاجران آذربایجانی در روستای مرزی لطف آباد به دنیا آمد. دوره پزشکی را در دانشگاه مشهد و تهران گذراند و بعد از گرفتن تخصص عفونی به استخدام انستیتو پاستور ایران در آمد و برای گذراندن دوره های تکمیلی به پاریس رفت. سالها به همراه تیم اپیدمیولوژی انستیتو پاستور و به سرپرستی پروفیسور بالتازار در روستای اکینلو همدان بیماران مبتلا به طاعون را شناسایی و درمان می کردند و کانون های خفته طاعون را در منطقه جستجو و مشخص می نمودند. دکتر یونس کریمی ۲۵ سال از عمر خود را وقف تحقیقات درباره بیماری های گوناگون به ویژه طاعون در کردستان و آذربایجان کرد و کارشناس برجسته سازمان جهانی بهداشت بود. در سال ۱۳۳۵ نوع جدیدی از بوریلیا را کشف و به نام استادش بوریلیا بالتازاردی نام گذاری کرد. او برای تدوین کتاب طاعون و همه گیری شناسی آن در سال ۱۳۵۶ برنده جایزه سلطنتی کتاب سال شد. این کتاب شامل آخرین یافته های آن زمان درباره کانون های سرایت طاعون در دنیا و ایران بود و همچنین اطلاعات با ارزشی درباره گونه هایی از جوندگان که باعث شیوع طاعون انسانی در ایران بودند را دربرداشت. دکتر کریمی و همکارانش در سال ۱۳۵۷، کانون جدیدی از بیماری طاعون را در آذربایجان شرقی گزارش دادند. وی در سال ۱۳۸۷ درگذشت.



دکتر مسعود امامی (۱۳۹۸-۱۳۱۰)

مسعود امامی در سال ۱۳۱۰ در ماکو به دنیا آمده بود، تحصیلات ابتدایی را در دبستانهای خسروی و پهلوی شهرستان خوی و دوره دبیرستان را در دبیرستان های قریب، ایرانشهر و هدف تهران گذرانید و در خرداد ۱۳۳۱ به اخذ دیپلم نائل آمد. وی در ادامه در رشته داروسازی دانشگاه تهران تحصیل کرد و دوره تخصص انگل شناسی را در دانشگاه تهران و قارچ شناسی را در انستیتو پاستور پاریس و C.O.C امریکا گذراند. دکتر امامی، دوره عالی مالاریالوژی را نیز در انستیتو مالاریالوژی و پارازیتولوژی دانشگاه تهران گذرانده بود. دکتر مسعود امامی از استادان پیشکسوت قارچ شناسی پزشکی کشور بود که از اواسط دهه ۱۳۴۰ پس از تشکیل دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی دانشگاه تهران به عضویت هیات علمی این دانشکده در آمد و پس از بازنشستگی از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سالهای اخیر به عنوان استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال فعالیت داشت. کتاب تشخیص آزمایشگاهی بیماریهای قارچی (۱۳۴۸)، قارچ شناسی پزشکی (۱۳۶۵)، قارچ شناسی پزشکی جامع (۱۳۷۷) از جمله تالیفات مرحوم دکتر امامی است که کتاب قارچ شناسی پزشکی جامع، برنده کتاب سال ۱۳۷۷ بوده است. دکتر مسعود امامی در خرداد ۱۳۹۸ درگذشت.

دکتر رضا نقشینه (۱۳۸۰-۱۳۱۲)

رضا نقشینه در ۲ شهریور ۱۳۱۳ در مسجدسلیمان متولد شد. او پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران، به دانشکده دامپزشکی تهران وارد و به سال ۱۳۳۶ فارغ التحصیل شد. پس از عزیمت به آمریکا و گرفتن تخصص آسیب شناسی

دامپزشکی از دانشگاه ایالتی میشیگان آمریکا در سال ۱۳۴۲ به ایران بازگشت و با عضویت در هیئت علمی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ و دانشیاری دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران ارتقا به سمت استادی دانشکده در سال ۱۳۵۲ را تجربه نمود. نقشی که یکی از قدیمی‌ترین استادان دانشگاه تهران بود و در حدود ۴۲ سال در این دانشگاه به تدریس اشتغال داشت. وی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و دو بار برنده جایزه بهترین پژوهش بنیادین دانشگاه تهران نیز بوده‌است و به عنوان چهره ماندگار عرصه دامپزشکی شناخته می‌شود. آسیب شناسی دامپزشکی (تومورها)، آسیب شناسی اختصاصی و کالبدگشایی نشخوارکنندگان از آثار ارزنده‌ی آن استاد والامقام هستند. رضا نقشینه در ۳۰ آذر ۱۳۸۳ در تهران درگذشت.



دکتر مهدخت پورمنصور (۱۴۰۳-۱۳۱۳)

دکتر مهدخت پورمنصور فارغ التحصیل پزشکی از دانشگاه تهران بود. او پس از فارغ التحصیلی، دستیار رشته زنان و زایمان شد. وی در سال ۱۳۳۸، به انستیتو پاستور ایران پیوست، دوره تخصصی میکروب شناسی را در انستیتو پاستور پاریس طی کرد و پس از بازگشت به ایران، موفق به کسب دکترای علوم آزمایشگاهی نیز شد. وی از سال ۱۳۵۰ تحت نظر دکتر مهدی قدسی ریاست بخش ب ت ژ را به عهده گرفت. سپس، به به دانمارک و فرانسه رفت تا مراحل تولید واکسن ب ت ژ ب لیوفیلزه را فراگیرد و توانست نخستین نمونه واکسن ب ت ژ به صورت خشک تولید کند. دکتر پورمنصور تا سال ۱۳۶۳، رئیس بخش ب ت ژ، رئیس بخش میکروب شناسی، کارشناس سازمان جهانی بهداشت و مشاور علمی انستیتو پاستور ایران بود. ایشان در سال ۱۳۷۳ بازنشسته شد.



دکتر عباس شفیعی (-۱۳۱۴)

دکتر عباس شفیعی (متولد ۱۳۱۴ در اصفهان) دامپزشک و ویروس‌شناس ایرانی است. او در سال ۱۳۸۴ به‌عنوان چهره ماندگار دامپزشکی معرفی شد. او دوره دکتری دامپزشکی را در دانشگاه تهران گذراند و پس از سربازی، در تابستان ۱۳۴۰ در مؤسسه تحقیقات و سرم‌سازی رازی استخدام شد و از آن زمان تاکنون در این مؤسسه فعالیت می‌کند. او فعالیت‌هایی در مورد بیماری‌های ویروسی دام و انسان و واکسن‌های ویروسی دام و انسان شامل پایه‌گذاری تولید واکسن سرخک، واکسن فلج اطفال و واکسن سرخجه و اوریون و نیز همکاری با بخش عفونی بیمارستان‌ها در تشخیص عفونت‌های ویروسی به ویژه آنسفالیت‌های ویروسی داشته‌است. ازم به ذکر است دکتر شفیعی از آموزش‌های حین خدمت در زمینه‌های بیماری‌های ویروسی دام بهره برده که شامل همکاری با کارشناسان (NEAHI, Near East Animal Health Institute) وابسته به FAO در زمینه ویروس شناسی دامپزشکی به مدت پنج سال، گذراندن دوره‌های ویروس شناسی مقدماتی و پیشرفته که از سوی NEAHI در تهران و قاهره برگزار شده بود، کارآموزی در مؤسسه پربرایت انگلستان به مدت یکسال (بوس FAO) بوده است. فعالیت‌های ارزنده دکتر شفیعی در زمینه ویروس شناسی پزشکی و واکسن‌های ویروسی مصرف پزشکی از سال ۱۳۴۷ تاکنون شامل همکاری در زمینه پایه‌گذاری تولید واکسن سرخک در مؤسسه رازی (سال ۱۳۴۷)، پایه‌گذاری تولید واکسن فلج اطفال در مؤسسه رازی سال ۱۳۵۲، پایه‌گذاری تولید واکسن سرخجه و اوریون در مؤسسه رازی سال ۱۳۶۴، همکاری با بخش عفونی بیمارستان‌ها در تشخیص عفونت‌های ویروسی به ویژه آنسفالیت‌های ویروسی است. ایشان در طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۵ میلادی دوره‌های مختلفی را گذرانده است که می‌توان به کارآموزی در زمینه تولید واکسن فلج اطفال در مؤسسه پولیومیلیت و آنسفالیت مسکو در سال ۱۳۵۱، کارآموزی در زمینه کنترل واکسن فلج اطفال در مؤسسه پولیومیلیت ژاپن در توکیو در سال ۱۳۵۱، کارآموزی در زمینه کنترل کیفی واکسن‌های سرخک، سرخجه و اوریون در انستیتو کتیاواتو ژاپن، کارآموزی در زمینه ژنتیک و مارکرهای ویروسی فلج اطفال در NIBSC انگلستان (National Institute for Biological standardingations and contorol)، گذراندن دوره ایمونولوژی و واکسنولوژی سازمان جهانی بهداشت در لوزان سوئیس، دوره کنترل کیفی واکسن‌های مورد مصرف در طرح گسترش ایمن‌سازی EPI در شهر نایروبی کنیا که از طرف سازمان جهانی بهداشت (WHO) برگزار شده بود، شاره کرد. دکتر شفیعی در سالهای مختلف علاوه بر پژوهش با تدریس دروس مختلف از حمله ویروس شناسی عمومی، واکسن‌های ویروسی، مواد بیولوژیک، ویروس شناسی عملی، دانش خود را به دانشجویان منتقل نموده اند. از ایشان بیش از ۵۰ مقاله علمی در مجلات بین

المللی و داخلی به زبانهای فرانسه، انگلیسی و فارسی به چاپ رسیده است و در سمینارهای علمی داخل و خارج بیش از ۲۰ سخنرانی ایراد نموده‌اند. ایشان همچنین عضو برد ویروس شناسی وزارت بهداشت و نیز عضو برد ویروس شناسی دانشگاه تربیت مدرس می باشند. دکتر شفیعی بپاس خدمات برجسته علمی موفق به کسب جوایز و تقدیر نامه های فراوان شده اند که از جمله آنها می‌توان به جایزه نهمین جشنواره خوارزمی، معرفی بعنوان چهره ماندگار، تقدیر نامه از وزیر بهداشت، رییس موسسه رازی، وزیر جهاد سازندگی، معاون وزیر جهاد سازندگی، رییس سازمان نظام پزشکی و رییس سازمان نظام دامپزشکی اشاره کرد.

دکتر محمدقلی نادعلیان (۱۳۱۵ -)

محمدقلی نادعلیان در سال ۱۳۱۵ در مهدیشهر استان سمنان متولد شد. پس از تمام شدن تحصیلات ابتدایی در مهدیشهر، به تهران رفت و در مدرسه دارالفنون مشغول به تحصیل شد. در سال ۱۳۳۶ مدرک دیپلمش را گرفت و پس از قبولی در کنکور، رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران را انتخاب کرد. مدرک دکترای خود را در سال ۱۳۴۱ به دست آورد. او از سال ۱۳۴۸ به عنوان دستیار بخش داخلی گروه آموزشی علوم درمانگاهی دانشکده دامپزشکی مشغول به کار شد و در سال ۱۳۵۱ استادیار گردید. در سال ۱۳۵۳ برای گذراندن دوره تخصصی‌اش به فرانسه رفت و پس از اتمام دوره به ایران بازگشت. وی در سال ۱۳۵۶ دانشیار و در سال ۱۳۷۴ استاد گروه آموزشی علوم بالینی دانشکده دامپزشکی گردید. نادعلیان در سال ۱۳۸۰ به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران و چهار سال بعد به عنوان چهره ماندگار علمی کشور برگزیده شد. او در حال حاضر عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران و رئیس گروه علوم دامپزشکی این فرهنگستان است. نادعلیان ده‌ها کتاب و مقاله پیرامون رشته تخصصی‌اش ارائه کرده و شاگردان زیادی را در طول نیم قرن فعالیت علمی به جامعه دامپزشکی کشور افزوده‌است به منظور بزرگداشت و آشنایی با این چهره ماندگار مستندی از زندگی او به کارگردانی محمدحسن عابدی نژاد ساخته و از شبکه مستند صدا و سیمای ایران پخش شده‌است.

این مطلب ادامه دارد و بمروور زمان تکمیل می شود